

ایران در مقطع ملی شدن نفت

سید محمد حسین امامی

سیاستی که ما در ایران دنبال می نمودیم باعث نفرت و کینه یک نسل ایرانی گردیده است.

(آنتونی ایدن وزیر امور خارجه انگلیس، مجلس عوام ۱۹۴۵)

مقدمه:

صنعت نفت در ایران با حفر موفق اولین چاه نفت در مسجد سلیمان در سال ۱۲۸۷ کلید خورد و با ملی شدن این صنعت در سال ۱۳۲۹ وارد مرحله جدیدی گشت. اکنون ۱۰۰ سال از شروع صنعت نفت و نزدیک به ۶۰ سال از ملی شدن این صنعت در کشور می گذرد و این صنعت به یکی از مهم ترین صنایع مادر و اصلی ترین منبع ارز آور کشور تبدیل شده است. بر این اساس با گذشت ۶۰ سال از زمان ملی شدن صنعت نفت به منظور احقاق حقوق ملت ایران - می توان با بررسی شرایط آن دوران به

بررسی نحوه رفتار و عکس العمل مجریان این امر پرداخت. البته این گزارش تنها کوتاه به برخی از شرایط آن دوران می پردازد.

در آستانه ملی شدن:

هنگامی که قرارداد داری در سال ۱۳۱۱ توسط رضاخان با تغییراتی تمدید شد، تنها در مناطق مسجد سلیمان و هفتگل نفت استخراج می شد و با تمدید این قرارداد، شرکت نفت انگلیس و ایران

عملیات اکتشاف و استخراج در مناطق دیگر را آغاز کرد. در سال ۱۳۱۳ میدان نفت سفید کشف شد که طول آن حدود ۲۴ کیلومتر و عرض آن ۱۴ کیلومتر تخمین زده شد. در ادامه اکتشافات، در سال ۱۳۱۷ مخزن نفت لالی که مخزن کوچکی بود، کشف شد. در سال ۱۳۱۴ حفاری چاه های توسعه ای آغاز شد که نتیجه آن کشف میدان آغاچاری به عنوان یک مخزن بزرگ نفتی بود. در همان سال حفر چاه های توسعه ای میدان گچساران که قبل از سال ۱۳۰۹ کشف شده بود، آغاز شد. البته تا آن زمان ارزیابی دقیقی از میدان گچساران وجود نداشت و با انجام حفاری های بعدی بود که حجم نفت میدان مشخص شد. طول این مخزن ۳۲ کیلومتر، عرض آن ۸ کیلومتر و ضخامت سنگ آن بالغ بر ۴۶۰ متر تخمین زده شد. با توجه به کشف و توسعه مخازن جدید آغاچاری و گچساران، پروژه ای تعریف شد که در بندر ماهشهر تاسیساتی برای بارگیری کشتی های

نفتی ساخته شود تا نفت این دو میدان از آنجا صادر گردد. در کنار کشف و استخراج نفت، پالایشگاه آبادان نیز به سرعت توسعه یافت و اسکله های جدیدی برای بارگیری فرآورده های نفتی ساخته شد. در سال ۱۳۲۴ استخراج نفت از مخزن نفت سفید شروع شد و خط لوله ای از مخزن مزبور به نقطه ای بین اهواز و شوشتر کشیده شد تا به خط لوله انتقالی نفت از مسجد سلیمان به آبادان متصل شود. در زمان جنگ جهانی دوم برای تصفیه حجم قابل توجه بنزین هواپیمای مورد نیاز شوروی نیز، خط لوله ای به قطر ۳۰/۵ سانتیمتر از آغاچاری تا آبادان کشیده شد تا نفت این میدان به پالایشگاه منتقل شود. در آن زمان در آبادان دستگاه های جدیدی برای تهیه بنزین هواپیما و سایر فرآورده ها آماده شده بود و گنجایش پالایشگاه آبادان که قبل از جنگ سالی ۷۳ میلیون بشکه بود در سال ۱۳۲۴ به سالی ۱۲۴ میلیون بشکه بالغ شد. این توسعه پس از جنگ نیز تا سال ۱۳۳۰ به شدت ادامه یافت و ظرفیت پالایشی پالایشگاه به ۱۸۲ میلیون بشکه در سال رسید که پالایشگاه آبادان را به بزرگترین پالایشگاه نفت در دنیا تبدیل کرد.

در سال ۱۳۲۹ ایران با داشتن سهم ۱۱ درصدی از ذخیره نفتی دنیا، سالانه نزدیک به ۲۳۳ میلیون بشکه یعنی ۱۶/۷ درصد از نفت دنیا و کمی بیش از ۳۴ درصد از نفت خاورمیانه را تولید می کرد و از نظر اهمیت، نفت ایران جایگاه اول، نفت عربستان در جایگاه دوم و



تولید صادرات و فروش فرآورده در داخل ۱۳۳۰-۱۳۳۴ (میلیون بشکه)

سال	تولید نفت	صادرات	مصرف داخلی
۱۳۲۴	۱۲۸/۳۲	۱۰۶/۳۲	۶/۳۲
۱۳۲۵	۱۴۶/۲۳	۱۳۴/۳۹	۳/۷۴
۱۳۲۶	۱۵۳/۸۹	۱۳۲/۹۳	۴/۵۳
۱۳۲۷	۱۸۹/۵۲	۱۷۰/۵۳	۵/۲۶
۱۳۲۸	۲۰۴/۲۷	۱۸۴/۷۴	۶/۲۱
۱۳۲۹	۲۴۱/۹۴	۲۱۹/۵۵	۶/۶۳
۱۳۳۰	۱۲۶/۶۴	۱۰۵/۲۴	۶/۸۰

مرجع: اقتصاد نفت ایران، محمود قاسم زاده، ۱۳۴۷، صفحه ۱۲۶

به حساب می‌آمد. موضوع منظور شدن عایدات نفت در حساب وجوه ذخیره مملکتی در سال‌های ۱۳۰۸ تا ۱۳۲۰ از تحولات مهم در امر بودجه ریزی بود که بر مبنای آن درآمدهای مملکت بدون عایدات نفتی به تصویب مجلس می‌رسید و عواید حق امتیاز نفت به حساب وجوه ذخیره مملکتی واریز می‌شد. با تجدید نظر در قرارداد داری در سال ۱۳۱۱ و افزایش قابل توجه درآمدهای نفتی نیز کماکان حق امتیاز به حساب وجوه ذخیره مملکتی منظور می‌شد ولی سود سهام و حق نمایندگی در بودجه‌های سال‌های ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۰ به عنوان جزئی از درآمدهای بودجه در نظر گرفته شد. براین اساس با در نظر گرفتن اقلام برداشت از حساب ذخیره، طی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ به طور متوسط حدود ۸ درصد مخارج کل بودجه به عواید نفتی وابسته بود و اگر برداشت از حساب ذخیره به حساب نیاید، وابستگی بودجه به نفت به کمتر از ۲ درصد می‌رسد. اما با آغاز جنگ و خروج رضاخان از ایران، مجلس شورای ملی در ماده واحده ۸ مهر ۱۳۲۰ به وزارت دارایی مجوز داد که از کل موجودی حساب اندوخته کشور و تمامی پرداخت‌های شرکت نفت انگلیس و ایران در طول سال ۱۳۲۰ و بعد از آن استفاده نماید و به این ترتیب مکانیسم حساب ذخیره مملکتی ملغی شد.

طی سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ درآمدهای حاصل از نفت نزدیک به ۸۶/۵ میلیون لیره بود که تا سال ۱۳۲۷ عمدتاً به مصرف هزینه‌های دولت می‌رسید. در سال‌های ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ روند تولید نفت افزایش یافت و در سال ۱۳۲۹ حجم نفت تولیدی به رقم ۲۳۲/۲۶ میلیون بشکه رسید و درآمد

در سال ۱۳۲۹ حجم فرآورده‌های توزیع شده در کشور ۶ میلیون بشکه و مبلغ آن بالغ بر ۲۲۰ میلیون تومان بود که این مبلغ شامل قیمت واقعی فرآورده، مالیات دولت، عوارض شهرداری و کرایه حمل و نقل می‌شد. البته مبلغ مالیات اخذ شده پس از ارزش ذاتی فرآورده بیشترین سهم را در قیمت نهایی داشت و

برای مثال ۳۰ ریال از قیمت فروش بیست لیتر بنزین و ۱۱ ریال از فروش ۱۸ لیتر نفت چراغ به عنوان مالیات از مردم اخذ می‌شد. پس از مالیات و عوارض، کرایه حمل و نقل سهم بعدی را در قیمت نهایی داشت. در سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۱ میلادی) میزان فروش چهار فرآورده اصلی (بنزین - نفت - نفت گاز - نفت کوره) نسبت به سال قبل از آن به میزان ۲۵ میلیون لیتر افزایش یافت و با ملی شدن صنعت نفت و خلق یداز شرکت، این روند ادامه داشت و مصرف داخلی مواد نفتی به طور محسوسی افزایش یافت. اولین چاه نفت در ایران در سال ۱۲۸۷ به نفت رسید و اولین لایحه بودجه جامع کشور در سال ۱۲۸۹ یعنی دو سال پس از کشف نفت در ایران، تحت عنوان طرح بودجه کلی به مجلس شورای ملی تقدیم شد که در بخش پیش بینی عایدات سالانه، ۱۲۰ هزار قران به عنوان حق امتیاز نفت و ۲۰ هزار قران به عنوان بدهی کمپانی نفتی درج شده بود که در مقابل کل عایدات آن سال که در حدود ۱۴۱ میلیون قران بود، عایدات این بخش رقم ناچیزی

نفت کویت در جایگاه سوم قرار داشتند. در آن سال فرآورده‌های نفتی ایران در پالایشگاه‌های آبادان و کرمانشاه تصفیه می‌شد و نزدیک به ۶ میلیون بشکه از فرآورده‌های نفتی در داخل کشور مصرف و بقیه به بیش از ۴۰ کشور صادر می‌شد.

با ورود صنعت نفت به ایران به مرور استفاده از وسایل نفت سوز در جامعه آن روز ایران رایج می‌شد که این امر با ورود اتومبیل برای افراد متمول، روند افزایشی داشت. در آن دوره فرآورده‌های نفتی از شوروی وارد و در ابتدا توسط کشتی و سپس توسط چارپایان تا محل مصرف منتقل می‌شد. به همین دلیل کرایه حمل و نقل آن بالا بود و تنها جامعه متمول ایران می‌توانستند از آن استفاده کنند. در سال ۱۳۰۹ میزان فروش سالانه فرآورده‌های مختلف در بازار داخلی عبارت بود از بنزین هواپیما ۵۰ هزار لیتر، بنزین ماشین ۱۴ میلیون لیتر، نفت چراغ ۱۵ میلیون لیتر، نفت کوره ۵ میلیون لیتر، روغن ماشین ۳۰۰ هزار لیتر و امشی ۱۶۰۰ لیتر، تا آن زمان گریس هنوز به بازار داخلی ایران عرضه نشده بود. تا سال ۱۳۰۵ با وجود ماده ۱۹ قرارداد ۱۳۱۱ مبنی بر تأمین احتیاجات داخلی از تولیدات شرکت نفت ایران و انگلیس، شرکت فرآورده‌های تولیدی پالایشگاه آبادان را به بازار داخلی عرضه نمی‌کرد و فرآورده‌های نفتی مورد نیاز ایران همچنان از شوروی تأمین می‌شد. از سال ۱۳۰۵ با گسترش راه‌های داخلی و باراندازی پالایشگاه کرمانشاه در سال ۱۳۱۴، توزیع فرآورده‌های نفتی در داخل توسط اداره پخش شرکت نفت شروع شد که با گسترش راه‌آهن و ایجاد انبارهای ذخیره، روند آن سرعت گرفت و به مرور زمان بخش اصلی توزیع فرآورده داخل ایران توسط شرکت نفت صورت می‌گرفت.

حجم فرآورده‌های نفتی مصرفی در ایران در سال ۱۳۲۹

فرآورده نفتی	حجم مصرفی	فرآورده نفتی	حجم مصرفی
بنزین هواپیما	۷/۶ میلیون لیتر	گریس	۴۶۰ هزار کیلو
بنزین اتومبیل	۲۴۷ میلیون لیتر	امشی	۵۶۰ هزار لیتر
نفت چراغ	۲۷۲ میلیون لیتر	وازلین سفید و زرد	۱۰۶ هزار کیلو
نفت گاز	۹۰ میلیون لیتر	پارافین مایع	۱۳۶ هزار لیتر
نفت کوره	۴۲۱ میلیون لیتر	پارافین جامد	۴۲۶ هزار کیلو
نفت دیزل	۱/۲ میلیون لیتر	قیح	۲۳ میلیون کیلو
روغن موتور	۱۰/۲ میلیون لیتر	مواد شوینده	۱/۰۵ میلیون لیتر

مرجع: سازمان پخش نفت و نقش آن در اقتصاد کشور، حسن پاکزاد، ۱۳۳۱، ص ۲۰

تغییرات تولید و درآمد نفت ایران طی سال‌های ۱۳۳۲ تا ۱۳۳۰

سال	تولید (میلیون بشکه)	درآمد (هزار لیره)
۱۳۹۱-۹۸	۲۸/۳۱	۱۳۲۵/۵۵
۱۳۲۰-۱۲۹۹	۹۰۱/۲۰۷	۴۱۶۷۳/۲
۱۳۲۸-۱۳۲۱	۱۰۲۶/۱۹۶	۶۲۱۴۷/۲
۱۳۲۹	۲۳۲/۲۶	۱۶۰۳۱/۷
۱۳۳۰	۱۲۲/۶۱۱	۸۳۰۰
۱۳۳۱	۷/۶۰۸	-
۱۳۳۲	۹/۶۷	-

مرجع: ۱۰۰ سال نفت و بودجه صیانت از عواید نفت، ایرج مهر آزما، همایش ضرب آهنگ ۱۰۰ ساله نفت ایران

از ایران، کاری جز معاینه و نگهداری دستگاه‌ها نداشتند.

با خروج نیروهای انگلیسی (اوایل مهرماه ۱۳۳۰) و تکمیل بودن کلیه مخازن نفت و فرآورده‌ها، دیگر نیازی به ادامه کار دستگاه‌های پالایش نبود و به جزء دستگاه‌هایی که برای زندگی مردم و نگهداری تأسیسات نیاز بود، سایر دستگاه‌ها تعطیل شدند.

با توجه به خروج نیروهای انگلیسی از ایران و اقامه دعوا شرکت نفت بر علیه ایران در دادگاه‌های بین‌المللی، صادرات نفت ایران متوقف شده بود و تولید نفت تنها به مصرف داخلی محدود می‌شد. با توقف صادرات نفت، دولت به منظور فعال نگاه داشتن پالایشگاه آبادان و صنعت نفت که اینک جنبه حیثیتی نیز برای کشور پیدا کرده بود، به توسعه شبکه توزیع فرآورده‌های نفتی در داخل پرداخت. این امر در دوره فعالیت شرکت انگلیسی به دلیل قیمت داخلی چندان پیگیری نشده بود. به همین دلیل طی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۳۳ مصرف داخلی رشد بالایی یافت. اما به دلیل آنکه در سال‌های پیش از آن سهم مصرف داخلی در مقابل صادرات نفت به شدت کم بود، افزایش سالیانه مصرف داخلی نیز نتوانست چندان در افزایش تولید موثر باشد. این در حالی بود که تلاش برای صادرات نفت نیز نتوانست چندان موفق باشد و در سال‌های ۱۳۳۱ و ۱۳۳۲ صادرات نفت ایران در حدود صفر بود. در نتیجه تولید نفت ایران به شدت با کاهش روبه‌رو شد.

با خروج نیروهای انگلیسی از آبادان، مهم‌ترین مسئولیت نیروهای ایرانی، مراقبت از تأسیسات فنی

صورت گرفت، دولت مکزیکی توانست صنعت نفت این کشور را در سال ۱۹۴۲ (۱۳۲۱) ملی کند. دولت ونزوئلا نیز از سال ۱۹۴۳ (۱۳۲۲) تلاش‌هایی را به منظور افزایش سهم دریافتی خود از نفت آغاز کرده بود که در نهایت در سال ۱۹۴۸ (۱۳۲۷) منجر به تدوین رژیم پنجاه پنجاه در صنعت نفت شد. در پی چنین اقدام‌هایی در

خصوص محدودیت سود شرکت‌های نفتی، کشورهای حوزه خلیج فارس همچون عربستان، کویت و عراق نیز اصلاح قراردادهای نفتی خود به رژیم پنجاه پنجاه را دنبال می‌کردند. در ایران نیز تلاش برای افزایش سهم ایران از نفت تولیدی در نهایت با تصویب قانون ملی شدن صنعت نفت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در مجلس سنا، منجر به ملی شدن صنعت نفت ایران شد.

بعد از ملی شدن صنعت نفت:

از اوایل تیرماه ۱۳۳۰، شرکت نفت شروع به تعطیلی تدریجی عملیات استخراج و تصفیه نمود. چراکه صدور نفت متوقف شده بود و مخازن نفت در بنادر آبادان و معشور نزدیک به پر شدن بود. در ظرف یک هفته میزان حجم تصفیه از ۱۵/۵ میلیون گالن (۲/۲ میلیون بشکه) به ۲/۵ میلیون گالن (۰/۷ میلیون بشکه) کاهش داده شد. بدین ترتیب روز ۴ مرداد ۱۳۳۰، موجودی مخازن (بنزین هواپیما، بنزین عادی، نفت چراغ، گازوئیل و نفت کوره) بالغ بر ۴۹۴ میلیون گالن (۱۴/۷ میلیون بشکه) بود و ظرفیت مخازن تکمیل بود. از روز ۸ مرداد

آخرین و بزرگترین واحد دستگاه تصفیه نفت تعطیل شد. پس از آن کارمندان انگلیسی که تا آن زمان به تدریج به ۳۰۰ نفر کاهش یافته بودند، در ظرف دو ماه تا خروج

دولت ایران از نفت مبلغ ۱۶۰۳۱ هزار لیره شد. در این مدت شرکت به افزایش حجم سرمایه‌گذاری در صنعت نفت به منظور افزایش تولید پرداخت و طی سال‌های ۱۳۲۹-۱۳۱۲، حجم سرمایه‌گذاری سالیانه شرکت افزایش یافت و در سال ۱۳۲۹ رقم سرمایه‌گذاری سالیانه به ۲۳۲/۳ میلیون لیره رسید که بالاترین مبلغ طی آن سال‌ها بود. در مجموع طی پنج سال ۱۳۲۵ تا ۱۳۲۹، در صنعت نفت ایران بالغ بر ۸۳ میلیون لیره سرمایه‌گذاری شده بود. اما با تشدید فعالیت‌ها به منظور ملی شدن صنعت نفت، شرکت حجم سرمایه‌گذاری در ایران را در سال ۱۳۳۰ به رقم ۰/۹ میلیون لیره کاهش داد.

با توجه به حجم نفت تولیدی در ایران، عایدی شرکت در سال ۱۳۲۹ بالغ بر ۱۴۸ میلیون لیره بود، در حالی که در عرض ۴۰ سال فعالیت شرکت در ایران، مجموع پرداختی شرکت به دولت ایران تنها به ۱۰۹ میلیون لیره می‌رسید. این در حالی بود که میزان مالیات پرداختی شرکت به دولت انگلیس به مراتب بیشتر از کل مبلغ پرداختی به دولت ایران بود. در این شرایط درآمد کل کشور در آن سال ۷۴۰ میلیون تومان بود که ۳۸۰ میلیون تومان از آن صرف مخارج قوای نظامی می‌شد.

در چنین اوضاع و احوال داخلی، شرایط بین‌المللی و نوع روابط دولت‌ها و شرکت‌های نفتی نیز در حال تغییر بود. در کشور مکزیکی به عنوان یکی از کشورهای نفت خیز قاره آمریکا، شرکت‌های انگلیسی و آمریکایی در زمینه استخراج نفت به صورت حق امتیازی فعالیت می‌کردند و سطح تولید نفت در این کشور طی چند سال به شدت افزایش یافته بود. اما از سال ۱۹۳۸ (۱۳۱۷) تلاش‌هایی برای محدود کردن حوزه فعالیت این شرکت‌ها و تغییر مالکیت منابع از انحصاری به ملی شروع شد و با تلاش‌هایی که

مصرف فرآورده‌های نفتی داخل طی سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۳۰

سال	مصرف (میلیون مترمکعب)	رشد سالانه
۱۳۳۰	۱/۱۱۴	+۸
۱۳۳۱	۱/۲۲۲	+۹/۶
۱۳۳۲	۱/۴۴۴	+۱۸
۱۳۳۳	۱/۷۳۶	+۲۰

مرجع: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، فواد روحانی، ۱۳۵۲، ص ۵۱۸

تولید نفت ایران طی سال‌های ۱۳۳۳-۱۳۲۹ (هزار بشکه در روز)

سال	تولید
۱۳۲۹	۳۴۰
۱۳۳۰	۲۰
۱۳۳۱	۳۰
۱۳۳۲	۶۰
۱۳۳۳	۳۳۰

و آماده نگهداشتن آنها برای کار و جلوگیری از زنگ زدگی و خوردگی آنها بود. در عین حال برای تأمین نیاز داخلی به مواد نفتی لازم بود هر چند محدود، برخی از تأسیسات دوباره راه‌اندازی شوند. در اولین قدم و برای محک زدن نیروهای ایرانی در راهبری پالایشگاه آبادان، دستگاه تقطیر شماره ۷۰ پالایشگاه در ۱۰ آبان ۱۳۳۰ راه‌اندازی شد. باره‌اندازی موفق این بخش، مشخص شد که نیروهای ایرانی بدون حضور کارشناسان خارجی حداقل امکان راه‌اندازی تأسیسات پالایشگاه تا ۳۵ درصد ظرفیت اسمی را دارند که در آن زمان حجمی بالغ بر ۵۸ میلیون بشکه در سال می‌شد. با پر شدن دوباره مخازن و به دلیل نبود خریدار برای نفت ایران و کمتر بودن مصرف داخل نسبت به ظرفیت فرآوری، دستگاه شماره ۷۰ پس از ۷۵ ماه متوقف شد و به جای آن دستگاه پالایشی کوچک‌تری به نام دستگاه شماره ۵۰ به کار افتاد که ظرفیت آن در حدود نیازهای داخلی بود.

مشکل دیگر صنعت نفت در آن دوران، کافی نبودن حجم روغن ماشین موجود در انبارهای شرکت نسبت به نیاز داخلی بود. در زمان خروج انگلیسی‌ها، موجودی انبار روغن شرکت تنها پاستخگوی نیاز دو ماهه داخل بود. بنابراین نیروهای ایرانی در اولین قدم نسبت به خرید روغن ماشین به مقدار نیاز کشور طی آن سال از آمریکا اقدام کردند. از طرفی شرکت انگلیسی در زمان ترک ایران در حال تکمیل احداث یک دستگاه روغن سازی به ظرفیت ۲۰ هزار لیتر در سال بود که در صورت راه‌اندازی می‌توانست نیاز داخلی را تأمین کند. اما نیروهای انگلیسی در زمان خروج، علاوه بر توقف تکمیل این بخش، نقشه‌های آن را نیز نابود کرده بودند تا مورد استفاده شرکت ملی نفت قرار نگیرد. باین وجود، نیروهای ایرانی توانستند در اربیه‌هشت این ۱۳۳۱ بخش را تکمیل و راه‌اندازی کنند. در این مدت به دلیل افزایش مصرف داخلی، توسعه

انبارهای نفت در شهرستان‌ها و اجرای خط لوله نفت اهواز-تهران نیز در حال انجام بود.

طی سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۹، بودجه دولت به میزان ۲۳ درصد رشد یافته بود که بخش اصلی این افزایش از درآمد نفت حاصل می‌شد. در این بین با وجود افزایش ارزش صادرات کالاهای غیر نفتی و رونق بازرگانی خارجی، حذف سهم ۵۸ میلیون دلاری نفت از بودجه و ارزش حاصل از آن نمی‌توانست به راحتی بدون مشکل ممکن شود و این امر در واردات کالاها در سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۳۰ به خوبی خود را نشان داد. در این مدت تلاش فراوانی برای افزایش صادرات غیر نفتی صورت گرفت و در سال ۱۳۳۰ صادرات غیر نفتی از مبلغ ۵۲۷ میلیون دلار به رقم ۷۸۱ میلیون دلار افزایش یافت، اما اینکه بتواند در سال‌های بعد با ادامه روند صعودی، به طور کامل جای ارزش نفت صادراتی کشور را بگیرد و بودجه کشور را از درآمد نفت بی‌نیاز نماید، نیازمند زمان بود.

در سال ۱۳۲۹، مجموع اسکناس‌های منتشره در کشور، ۶۰ درصد پشتوانه طلا و ۴۰ درصد لیره و دلار تضمین شده به طلا داشتند. در تاریخ ۲۱ مرداد ۱۳۳۰ به دلیل توقف پرداخت‌های شرکت نفت و مضیقه

ارزی، قانونی به تصویب رسید تا مبلغ ۱۴ میلیون لیره از ارزش‌های موجود در حساب پشتوانه در اختیار دولت قرار گیرد و به عنوان تعهد ارزی دولت لحاظ شود. با ادامه یافتن بحران ارزی کشور، مجلس در سال ۱۳۳۱ به دولت اجازه داد تا به میزان ۳۱۲ میلیون تومان اسکناس جدید به جریان اندازد. از سوی دیگر بانک انگلستان در ۱۵ شهریور ۱۳۳۰،

موافقت مربوط به حساب لیره ایران را لغو کرد که در نتیجه آن واردات کشور از آمریکا کاهش یافت و پرداخت‌های سفارش‌های مربوط به سایر کشورها نیز موقوف به موافقت بانک انگلستان شد. با توجه به کافی نبودن ارزش حاصل از صادرات کالاها برای افزایش یافت و دولت به اجرای سیاست‌هایی برای تسهیل صادرات دست زد تا بتواند ارزش مورد نیاز برای واردات را از این محل تأمین نماید که نتیجه آن افزایش حجم صادرات غیر نفتی بود ولی رشد آن کافی نبود. دولت برای تأمین ارزش مورد نیاز واردات، کالاها را به کالای‌های ضروری، غیر ضروری و لوکس تقسیم بندی کرد که گواهی نامه آنها نرخ‌های متفاوتی را داشت و هزینه واردات برای آنها متفاوت بود.

اما با تمام این تلاش‌ها دولت به دلیل قطع درآمد نفت، با کسری بودجه مواجه بود. در سال ۱۳۳۰ برای جبران بخشی از کسری بودجه، موافقت مجلس برای انتشار ۲۰۰۰ میلیون ریال اوراق قرضه با سررسید دو ساله و جایزه شش درصدی در ۴ مرحله اخذ شد که تنها در یک مرحله به مبلغ ۵۰۰ میلیون ریال در آذرماه آن سال عرضه شد.

در طی سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۳ یعنی ظرف چهار سال، شاخص کل هزینه زندگی ۴۵ درصد افزایش یافت و افزایش هزینه واردات کالاها و نرخ تورم باعث افزایش فشار به مردم

دریافت‌ها و پرداخت‌های ارزی ایران طی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۶ (میلیون دلار)

سال	صادرات غیر نفتی	صادرات نفتی	واردات کالا
۱۳۲۶	۴۲/۳	۲۹/۲	۱۰۰
۱۳۲۷	۵۴	۳۶/۹	۱۰۴/۷
۱۳۲۸	۳۳	۴۰	۱۷۶/۹
۱۳۲۹	۶۱/۶	۵۸/۹	۱۴۵/۲
۱۳۳۰	۵۳/۷	۸/۴	۱۴۵/۷
۱۳۳۱	۵۹/۵	-	۷۱/۷
۱۳۳۲	۷۸/۱	-	۹۴/۴

مرجع: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، فواد روحانی، ۱۳۵۲، ص ۳۸۷

میزان کسری ارزش صادرات نسبت به ارزش واردات (میلیون ریال)

سال	کسری صادرات به واردات
۱۳۳۰	۲۷۲۲
۱۳۳۱	۴۴۴۱
۱۳۳۲	۷۴۰۴
۱۳۳۳	۸۵۷۰

مرجع: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، فواد روحانی، ۱۳۵۲، ص ۳۸۷

حدود ۹۰ درصد ذخایر نفت و کلیه عملیات نفتی دنیا را تحت کنترل داشت و اگر شرکت یا کشوری برخلاف نظر کارتل عمل می کرد، این شرکت ها امکانات را از دسترس او خارج می کردند. در عین حال با توجه به قدرت این شرکت هادر صحنه بین المللی، بسیاری از تصمیمات این شرکت ها از سوی دولت های آنها نیز حمایت می شد. این شرایط عامل بسیار مهمی بود تا تولید نفت ایران پس از ملی شدن دچار اختناق گردد.

با ایجاد این فشارها و در نهایت با وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ این شرکت ها توانستند، دوباره به نفت ایران دست یابند. اما با این وجود، با تلاش هایی که در طول حیات دولت دکتر مصدق انجام شد، در قرارداد کنسرسيوم سهم ایران از نفت تولیدی افزایش یافت و بسیاری از فاکتورهای دیگر همچون، اجازه فروش نفت توسط شرکت ملی نفت ایران، افزایش تسهیلات برای کارگران و کارمندان ایرانی، کاهش سهم کارمندان خارجی در صنعت نفت ایران محقق شد.

منابع و مراجع در دفتر نشریه موجود است.

همه جانبه خرید نفت از این کشور اقدام کرده بودند. اما سهم بالای مصرف داخلی مواد نفتی در مکزیک در مقابل سهم صادراتی آن کشور در آن برهه زمانی، توانسته بود این سیاست را ناکارا سازد. در سال ۱۹۳۸ از حجم

۱۰۶ هزار بشکه در روز تولید نفت مکزیک، ۶۲ هزار بشکه به مصرف داخلی می رسید و تنها ۲۵ هزار بشکه صادر می شد که دولت مکزیک توانست در سال ۱۹۴۲ در مقابل ۹۷ هزار بشکه در روز تولید نفت، ۸۰ هزار بشکه در داخل مصرف و تنها ۱۷ هزار بشکه از آن را صادر نماید.

مقارن با ملی شدن صنعت نفت، نیمی از تولید نفت منطقه خلیج فارس در اختیار شرکت نفت انگلیس و ایران بود و نیم دیگر توسط شش شرکت بزرگ نفتی دیگر استخراج می شد. این در شرایطی بود که در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷) هفت خواهران نفتی به توافق رسیده بودند که استخراج نفت خلیج فارس و عرضه آن به بازارهای جهانی از لحاظ مقدار تولید، قیمت فروش و تقسیم بازار، منحصر به آنها باشد و نوعی کارتل نفتی را ایجاد کرده بودند که از آن برای اعمال فشار به کشورهای نفت خیز بهره می بردند. اما نه تنها همکاری بین کشورهای تولید کننده نفت در این منطقه وجود نداشت، بلکه نوعی رقابت در کسب سهم بازار نیز در بین آنها دیده می شد.

در سال ۱۹۴۹ (۱۳۲۸) کارتل نفتی بیش از

شد. در این مدت دولت برای تأمین ارز فروش نفت نیز تلاش های بسیاری کرد و اعلام نمود که حاضر است تا ۵۰ درصد نسبت به قیمت بازار، در فروش نفت تخفیف قائل شود و در صورت اقامه دعوی از سوی شرکت نفت سابق بر علیه شرکت خریدار نفت از ایران، زیان وارده به شرکت خریدار را نیز جبران نماید. براین اساس شرکت هایی برای خرید نفت ایران پیشنهاداتی را ارایه کردند و در ۲۴ دی ماه سال ۱۳۳۰، هیات مدیره شرکت ملی نفت اعلام کرد که تا آن تاریخ ۲۶۸ تقاضا از اروپا، آفریقا، آسیا و آمریکای جنوبی و شمالی دریافت کرده و در حال بررسی آنها است. اما فشارهای دولت های غربی و شرکت های نفتی و به خصوص شرکت نفت انگلیس باعث شد تا بسیاری از این تقاضاها لغو گردد. با این وجود در این مدت دولت ایران در مجموع ۷۶۰ هزار بشکه نفت توسط چند کشتی به مقصد کشورهای ایتالیا و ژاپن ارسال کرد که انتظار داشت، هر چند حجم این معاملات اندک بود و با سختی های بسیاری انجام شده بود اما فتح بابی برای صادرات نفت ایران و شکستن تحریم شرکت های نفتی بر علیه ایران باشد.

اما عاملی که سبب شد تا صادرات نفتی ایران تقریباً متوقف شود و بسیاری از شرکت های خارجی از کشورهای مختلف دنیا نسبت به خرید نفت از ایران امتناع ورزند، قدرت شرکت های نفتی در تولید، انتقال و بازارهای نفت در آن سال ها بود. نوع رفتار شرکت نفت انگلیس با ایران مشابه رفتاری بود که شرکت شل و شرکت های آمریکایی در جریان ملی شدن صنعت نفت مکزیک از خود نشان داده بودند و نسبت به تحریم

صادرات نفت ایران در سال های بحران

کشور مقصد	نام کشتی	تعداد سفر به ایران	حجم صادراتی نفت
ایتالیا	روزماری	یک سفر	۴/۴ هزار بشکه
ایتالیا	میریلایا	سه سفر	۱۱۰ هزار بشکه
ایتالیا	آلبا	دو سفر	۱۶۱ هزار بشکه
ایتالیا	سالسو	یک سفر	۸۸ هزار بشکه
ژاپن	نیشومارو	سه سفر	۴۰۰ هزار بشکه
مجموع			۷۶۰ هزار بشکه

مرجع: تاریخ ملی شدن صنعت نفت ایران، فواد روحانی، ۱۳۵۲، ص ۴۰۴